



خدمت جناب عالیقدر محترم آقای نعیم بارز صاحب!

میلیون سلام به شما تقدیم میدارم. بعد از عرض سلام، احتراماً مینگارم. جناب محترم. من به شرفم قسم میخورم در آن دو نوشته من که یکی در کلکین نظر سنجی و دیگری در ستون تحلیل ها که بین من و شما بزرگوار تبادل شده هیچ کس همراهی من در آن نوشته همکاری ننموده است. شما باز هم مثل گذشته مرتکب اشتباه شدید، من نمی دانم که هدف شما از اینگونه پافشاری و تهمت های بیجا چیست؟ فکر میکنم که شما بخاطر مطرح کردن اینگونه سوالات بی مورد برای خود راه فرار را می پالید. شما بحیث یک فرد روشن فکر و تحصیل کرده نباید پشت گپ های این و آن بگردید، یک مقوله است که میگوید. (از یک شخص کسی سوال کرده بود که گوش ات را یک حیوان برد، انشخص ببیون اینکه اول گوش خود را لمس کند که راستی ان حیوان بخود برده یا نه ، ان شخص پشت ان حیوان روان شد تا ببیند که گوش وی راستی در دهن ان حیوان است یا نه؟) بد بختی در اینجا است که شما به گپ های دیگران توجه میکنید ولی به سخن من هیچ. بهر صورت.

آقای محترم نعیم بارز صاحب. فکر میکنم شما به فلسفه فیلسوف نامور دیکارت عقیده و باور دارید، یعنی به هر چیزی بنظر شک مینگرید، فلسفه زندگی تان به شکاکیزم وابسته است. من بحیث یک هموطن کوچک شما، بشما توصیه مخلصانه میکنم که لطفاً از این گونه شکاکیت و تصورات بیجا خود را رها سازید، بهتر است بخاطر آرامی اعصاب تان از این رویش بپرهیزید. که این کار هم نه بخیر شما و نه هم بخیر دیگران است. بزرگوار من آقای بارز صاحب. بین طرفداری و توبه کردن بسیار فاصله است، توبه کسی میکند که گنهگار باشد، ولی عدم همکاری معنی دیگر دارد، من نمی دانم که چرا اینگونه اظهار نظر از ذهن یک شخصیت محترم و باسواد انهم مثل خودت تراوش میکند. من وقتی توبه میکنم که خود را گنهگار احساس کنم و لی در مورد تهمت های بیجا شما خاموش نمی مانم.

آقای محترم بارز صاحب. شما باز هم بالای موضوع حلف و سوگند پافشاری بیجا مینمائید. این به این معنی است (از یک شخص کسی پرسان کرده بود که چند ساله هستید، شخص جواب دهنده برایش گفته بود که ۳۵ ساله استم بعد از ده سال شخص سوال کننده از وی پرسیده بود که چند ساله هستید جواب دهنده برایش گفته بود که ۳۵ ساله، سوال کننده به شخص جواب دهنده گفت که برادر ده سال قبل هم گفتی که ۳۵ ساله هستم و حالا هم میگوئید که ۳۵ ساله هستم، این چی قسم جواب است، جواب دهنده برایش گفته بود که برادر مردها را یک گپ است، فکر میکنم که شما هم مثل ان جواب دهنده هستید، که از همین خاطر دلیل و برهان دیگران خوش ندارید و انرا قبول نمیکنید و تا اخیر به گپ و سخن خود پافشاری مینمائید. من در مورد حلف و ظیفوی از بزرگان و دانشمندان این پورتال میخواهم که در مورد حلف روشنی کامل بیانازد، که حلف در وظیفه دولتی تا کدام وقت مدار اعتبار است.

آقای بارز صاحب، اخلاق مذهبی، سیاسی و اجتماعی که مرحوم محمد داوودخان داشت نظیر نداشت، اینکه، از اخلاق مذهبی وی شما هر گونه تعبیر و تفسیر شخصی که دارید مربوط به فهم دانش و اخلاق اجتماعی و مذهبی شما است. من در این مورد هیچ نمی گویم، گویند چیزیکه عیان است چی حاجت به بیان است.

آقای بزرگوار بارز صاحب. مطلب از فیر تفنگ بادی یا ساچمه ئی شما و یا گولک ان نبود که شما بالای تانک حبیب الله زرمئی، پاچاگل، عوٹ الدین فایق و غیره و غیره فیر میکردید، مطلبم از ان گفته این بود که در آن روزها بالای کدام کودتاچی ۲۶ سرطان که پای پیاده بدون سلاح میگشت یا توسط گولک یا به اصطلاح شما به تفنگ ساچمه ئی فیر نه کردید، ای کاش میکردید، این که نکردید، این چی گونه شاه دوستی و وطن دوستی است؟؟!

آقای محترم بارز صاحب. ایا تمام کودتاها که در جهان پهناور بوقوع پیوسته تمام شان به مردم ان کشورها بدبختی آورده؟ شما باز هم در این مورد مرتکب اشتباه بزرگ شدید. معمر القذافی در طول سی، چهل سال انقدر خدمت به مملکت لیبی نمود که هیچ شاه، هیچ کشور به مملکت خود ننموده، جمال عبدالناصر توسط کودتا به قدرت رسید، امروز زن و مرد کشور مصر پشت ان شخص اشک میریزد. حسن البکر در عراق کودتا نمود امروز مردم

عراق پشت صدام حسین جان میدهد. صدها مثال زنده دیگر در گیتی داریم ولی به این چند مثال اکتفا میکنم ، پس گفته میتوانیم که ده ها رژیم کودتای از نظام های شاهی کرده خوبتر و به کشور خود مصدر خدمت شده اند.

اگر شما امروز کشورهای شاهی انگلستان، ناروی ، دنمارک ، هالند را به نظام شاهی افغانستان مقایسه میکند، فکر میکنم که بسیار زیاد به خطا رفته اید، بخاطریکه اول کشورهای شاهی اروپا از هیچ لحاظ قابل مقایسه به شرایط چهل سال قبل سلطنت یا نظام شاهی افغانستان نیستند. در کشورهای اروپا سطح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میلیونها مرتبه از سطح ان وقت افغانستان کرده بلند تر بودند و استند، در کشورهای شاهی اروپا سواد، دانش، و مسایل اقتصادی به هزارها مرتبه از افغانستان کرده بلند تر بوده، شاهان آن کشورهای اروپای به کشورهای خود کار نموده ، ولی بدبختانه در ۳/۱ کیلو متری ارگ شاهی افغانستان مردم در سرکها رفع حاجت میکردند. دریای کابل که پیش روی ارگ شاهی موقعیت داشت به یک بیت الحلا عوام الناس تبدیل گشته بود، در پل باغ عمومی یا ده افغانان در تابستان از دست حرارت بوی مواد غایطه تا داخل دیوارهای ارگ میرسید، ده سال دوره صدارت مرحوم محمد داوودخان کمکی بینی خمیری را به نظام شاهی داد. بعد از دوره ده سال صدارت مرحوم شهید محمد داوودخان اگر کدام کار مثمیری در افغانستان شده باشد و از آن ما بی خبر باشیم لطفاً برایم بگوئید. در غیر ان لطفاً خاموشی را اختیار نمائید و از این زیادتر باعث بد نامی دوره سلطنت نشوید.

اقای جناب محترم محمد نعیم بارز صاحب . شما باز هم چقدر ظالمانه مینویسید که مرحوم داوودخان از شرایط و اوضاع عینی و ذهنی جامعه افغانستان و شرایط منطقه و جهان نمی دانست، احسنت؟ به این استدلال بازاری تان. به والله بالله سوگند یاد میکنم که باشما بحث در مورد مسایل سیاسی و ملی بغیر از ضایع کردن وقت خود و دیگران چیزی بیش نیست، شما بکدام فهم و دانش این گونه استدلال مکنید ، که مرحوم محمد داوودخان از وضع سیاسی و اجتماعی کشور و منطقه و جهان آگاهی نداشت، توبه توبه خدایا از این گونه تهمت های دروغین و بی مسولیت مردم را نجات دهید.

اقای بارز صاحب. در انوقت و زمان که مرحوم شهید محمد داوودخان از وضع سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور خود و جهان آگاهی داشت، شما در انوقت الفبای سیاسی را نمی دانستید. مرحوم محمد داوودخان در وقت صدارت و ریاست جمهوری شان جهان را به شور و هیجان آورده بود. لطفاً وضو کنید و یک دو رکعت نماز کفاره را بخوانید و از خداوند عفو تقصیرات نمائید. به این گونه سوالات خود دل ما را از جواب دادن سیاه کردید.

محترم آقای محمد نعیم بارز صاحب . شما چقدر ظریفانه مینویسید که من در دوران اول ریاست جمهوری آقای محترم حامد کرزی از وی انتقاد مینمودم ولی در دوره دوم از کارهای وی تمجید میکردم، چرا در دوره دوم وی که بدتر تر از دوره اول بود تمجید مینمودید، مردم میدانند که قهوه سیاه است و شیر سفید.

جناب محترم. نظر به فرموده شما، شما باید در دوره اول از کارهای جناب کرزی صاحب پشتبانی مینمودید بخاطریکه دوره اول وی از دوره دوم کرده بهتر تر بود، چرا که در دوره اول ، وی زیاد به درد افغانستان و شاه فقید افغانستان خورد، در دوره دوم وی از طرف مردم و قوتهای خارجی تجرید شد بود. در دوره دوم وی کارهای را کرد که باید نمی کرد. شما از دور دوم وی پشتبانی اعلان نمودید، من و امثال من خوب میدانیم که شما چرا در دوره دوم از وی پشتبانی نمودید، بخاطریکه در دوره دوم آقای داکتر سپینا بحیث وزیر خارجه مقرر شد، شما بخاطر اینکه صاحب کدام پوست دیپلماتیک یا کدام پست عالی دولتی شوید بهمین خاطر از وی طرفداری نمودید، آنهم بخاطریکه آقای داکتر سپینا دوست و رفیق شما بود.

جناب بزرگوار و محترم . من از شما عالیقدر تمنا دارم تا این بحث بیهوده را در همین جاه خاتمه بخشید و از سفسطه گفتن زیاد بپرهیزید.

به امید خوشبختی شما و این حقیر و فقیر ، و سلام